

## بحران خاور میانه و تشدید منازعات درونی هیئت حاکمه

## فلسطین، افغانستان نیست!

برای تضعیف موقعیت گروه های موسوم به جبهه دوم خرداد زده است. در جریان انتخابات میان دوره ای استان گلستان، شورای نگهبان دست به یک تصفیه وسیع در میان کاندیداهای مورد حمایت جبهه دوم خرداد زد، صلاحیت اکثر آنها را برای نمایندگی مجلس رد کرد و این بار برخلاف دفعات گذشته هیچ امتیازی به جناح رقیب نداد. واکنش دوم خردادیها در مجلس ارتجاع اسلامی طرح سه فوریتی اصلاح قانون انتخابات بود تا حیطة اختیارات شورای نگهبان را محدود کنند. اما این نیز نه تنها مخالفت شورای نگهبان روبرو گردید بلکه از سوی یکی دیگر از ارگان های وابسته به جناح مسلط یعنی مجمع تشخیص مصلحت رد شد. در همین حال یکی از گروه های این جناح موسوم به

بحران سیاسی منطقه خاورمیانه و پی آمدهای سیاسی مداخله نظامی مستقیم آمریکا و دیگر قدرتهای بزرگ جهان در افغانستان از هم اکنون تاثیرات خود را بر تشدید تضادهای درونی جمهوری اسلامی و منازعات و کشمکش های دو جناح آن بر جای نهاده است. در حالی که طرفداران خاتمی تحولات سیاسی منطقه را به نفع خود می دانند و در تلاش اند از این تحولات برای تحکیم موقعیت خود استفاده کنند، جناح مسلط هیئت حاکمه به رهبری خامنه ای که مجموعه این تحولات را به زیان خود می بیند، دست به بیکرشته تعرضات علیه جناح رقیب زده و در تلاش است با به دست گرفتن کامل ابتکار عمل، خود را برای مقابله با تلاطمات سیاسی ناشی از بحران منطقه آماده نماید. از همین روست که در طول چند هفته اخیر دست به یک رشته اقدامات

غروب روز دوشنبه دوازدهم آذر ماه، آریل شارون، ساعاتی پس از بازگشت از سفر آمریکا و ملاقاتش با جرج بوش، باردیگر دستور حمله به مناطق فلسطینی نشین و کشتار مردم فلسطین را صادر کرد. بعد از رویداد یازده سپتامبر، دولت اسرائیل و در راس آن آریل شارون، نماینده افراطی ترین جریان راست صیهونیستی، دنبال "بن لادن"ی در درون دولت خودگردان فلسطین می گشت و منتظر بهانه ای بود تا باردیگر دست به تهاجم و کشتار وحشیانه مردم بی دفاع فلسطین بزند. چند اقدام انتحاری و تروریستی گروه ارتجاعی و اسلامگرای حماس که در نوع خود اقدامات بی سابقه ای هم محسوب نمی شد، کافی بود تا آریل شارون، عرفات و دولت خودگردان وی را همتای بن لادن و رژیم طالبان قلمداد کند و به تقلید از ارباب خویش، جهت سرنگونی عرفات و دولت خودگردان وی جواز کشتار و تهاجم را، که پیشتر آن را از بوش گرفته بود، صادر کند. اکنون چندین روز متوالی است که ارتش صیهونیستی و اشغالگر اسرائیل از زمین و هوا به کشتار مردم بی دفاع فلسطین و تخریب مناطق فلسطینی نشین مشغول است. در همان حال که هلی کوپترهای نظامی و جنگنده های اف ۱۶، با پرتاب موشک و بمباران های پی در پی، سرگرم کشتار بی رحمانه مردم و تخریب اماکن فلسطینی ها و تاسیسات دولت خودگردان در کرانه باختری، شهر غزه، رام الله، نابلس و سایر شهرها می باشند، تانک ها و زره پوش های اسرائیلی نیز به سوی شهرها و روستاها هجوم برده، محاصره بسیار شدیدی را علیه این مناطق اعمال می کنند و با کنترل

صفحه ۳

## مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۱۷)

### کنفرانس بن هم معضلی از معضلات مردم افغانستان را حل نکرد

وابسته وزارت کار حکومت اسلامی در سازمان بین المللی کار اخیرا با انتشار مقاله ای در روزنامه ایران با عنوان "تروریسم سربازان خود را از خانه فقرا استخدام می کند" به اظهار نظر در مورد مسئله میلیون ها فقیر و گرسنه ای که در سراسر جهان وجود دارند پرداخته و "باز نگری جامع در توزیع ثروت" را راه حل این معضل اجتماعی معرفی می کند. وی در نوشته خود اشاره می کند که هم اکنون بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر از مردم سراسر جهان عمدتاً در کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته تر زیر خط فقر به سر می برند که "بزرگترین دغدغه جهان کنونی باید معطوف به بیرون کشیدن و نجات این خیل عظیم انسان ها از محبس فقر باشد." و سپس نتیجه می گیرد که "برای تحقق چنین امری دنیا نیازمند یک بازنگری جامع در توزیع ثروت" است.

صفحه ۸

با سرنگونی طالبان، سیل وعده ها به سوی مردم افغانستان سرازیر شده است. وعده پایان دوده جنگ و برقراری صلح و آرامش، وعده آزادی و حقوق لگد مال شده توده های ستمدیده مردم افغانستان، وعده کمک های بشر دوستانه بین المللی، وعده بازسازی افغانستان و دریک کلام وعده نجات مردم از شرمصائبی که تاکنون با آنها روبرو بوده اند.

کنفرانس بن که تحت ریاست سازمان ملل و با حمایت قدرتهای بزرگ جهانی و نیز قدرت های منطقه ای تشکیل گردید، ظاهراً با موفقیت به پایان رسیده است. چهار گروه شرکت کننده در این کنفرانس که عمدتاً از سلطنت طالبان و اسلام گرایان تشکیل شده بود، قرارداد صلح را امضاء کردند و متعهد شدند مفاد قرارداد صلح را اجرا کنند. بر طبق مفاد این قرارداد یک دولت موقت هم باید تشکیل گردد که زمام امور را دریک دوره شش ماهه در دست بگیرد. در این فاصله تحت ریاست شاه پیشین افغانستان تدارک اجلاسی از سران قبایل و ریش سفیدان و بزرگان اقوام دیده می شود که سرنوشت آتی افغانستان را

خلاصه ای از  
اطلاعه ها و بیانیه های سازمان ۷

اخباری از ایران ۳

صفحه ۵

صفحه ۲

## ابعاد وحشتناک مصائب اجتماعی

بیست و سه سال حکومت جمهوری اسلامی، حقیقتاً جز فقر و فلاکت و بدبختی و جز بیماری و بیکاری و گرسنگی، هیچ ثمر دیگری برای مردم نداشته است. دریک سو مشتکی سرمایه دار و تاجر غارتگر، با چپاول ثروت جامعه، از تغذیه و پوشاک خوب، از بهداشت و مسکن مناسب واز همه نعمات زندگی برخوردارند و نمی دانند پولهای بادآورده را چگونه خرج کنند، در سوی دیگر، انبوهی از مردم زحمت کش در فقر و بیماری و بیکاری به سر می

صفحه ۴

و تسلط بر راه‌های اصلی، حتی از ورود و خروج اهالی، مواد غذایی، سوخت، وسائل پزشکی و امثال آن نیز جلوگیری می‌کنند. مقرهای مربوط به نیروهای پلیس خودگردان، فرودگاه غزه و بسیاری دیگر از تاسیسات دولتی، همچنین شمار زیادی از روستاها، مورد اصابت موشک‌های اسرائیلی قرار گرفته و یادداشت‌ها بمباران و حمله تانک‌ها و زره پوش‌ها به کلی با خاک یکسان شده و مردم این مناطق آواره شده‌اند. صدها تن از مردم بی دفاع فلسطین در اثر این اقدامات جنایتکارانه کشته و زخمی شده‌اند. این اقدامات تماما مورد تأیید و حمایت آمریکا و انگلیس قرار گرفته است. بوش مجری سیاست‌های امپریالیسم آمریکا، این اقدامات را "حق اسرائیل در دفاع از خود" خواند و از عرفات خواست تا به مطالبات اسرائیل در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه سرکوب گروه‌های فلسطینی و دستگیری و مجازات رهبران آنها مجدانه عمل کند. تونی بلر، نوجه آمریکا در اروپا نیز به همین سیاق، دولت عرفات را دولت ترور خواند. خبرگزاری سی ان ان از قول وزیر دفاع آمریکا، ضمن صحبت از ناتوانی عرفات و عدم کنترل وی بر امور فلسطین، عملا به تأیید مواضع و اقدامات آریل شارون پرداخت. دفتر اتحادیه اروپا در برابر این رویدادها فعلا به این اکتفا کرد که با صدور اطلاعیهای، بگوید به تشکیلات خودگردان باید فرصت داده شود تا به مسئولیت - هائی که برعهده گرفته است عمل کند! این رویدادها باردیگر پوچ بودن تمام جارو جنجال‌های چند ساله اخیر اسرائیل و حامیان آن را پیرامون صلح و عقب نشینی از مناطق اشغالی به نمایش گذاشت. دولت متجاوز اسرائیل و حامیان آن، دنبال آنچنان صلح و آرامشی بوده‌اند و هستند که صد در صد تضمین کننده منافع تجاوزکارانه و استثمارگرانه آنها باشد و تنها چیزی که در این میان مطرح نبوده و نیست، خواستها و حق و حقوق تضییع شده مردم فلسطین است. البته تهاجم ارتش متجاوز اسرائیل و کشتار مردم فلسطین منحصر به اقدامات یک هفته اخیر دولت شارون نمی‌شود و از سال ۱۹۶۷ که ارتش اسرائیل کرانه غربی غزه و برخی از شهرها را به اشغال خویش در آورده است، بارها و بارها به حمله نظامی و تخریب مناطق مسکونی فلسطینی‌ها دست زده است و برای نابودی جنبش مبارزاتی فلسطین و درهم شکستن مقاومت فلسطینی‌ها کرارا به ترور و کشتارهای جمعی دست زده است. حتی بعد از قرار داد اسلو در سال ۱۹۹۳ که دولت صهیونیستی اسرائیل و حامیان وی تبلیغات عریض و طویلی پیرامون آن راه انداختند، نه فقط هیچ گاه حقوق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خودشان به رسمیت شناخته نشد و نه فقط صلحی به نفع مردم فلسطین مستقر نشد، بلکه اسرائیل حتی در محدوده مفاد همان قرار داد مبتنی بر عقب نشینی ارتش اسرائیل از کرانه غربی و منطقه غزه نیز عمل نکرد. در

## فلسطین، افغانستان نیست!

نهایت فقط از بخش‌های محدودی در این مناطق عقب نشینی کرد در عین آنکه تمام نقاط مهم و استراتژیک را در اشغال خویش نگاه داشت و مناطق فلسطینی نشین را نیز به طور کامل در محاصره خویش قرارداد. از سوی دیگر پروسه ایجاد شهرک‌ها و آبادیهای یهودی نشین که در حکم قرارگاه‌های مسلح اسرائیل در دل مناطق فلسطینی است و می‌بایستی محدود و متوقف می‌گردید، اما نه فقط چنین نشد، بلکه این سیاست همچنان پیگیرانه تعقیب شد و به ویژه از سال ۱۹۹۸ و در دوره نتان یاهو، با شتاب بیشتر و در سطح گسترده تری تداوم یافته است. در تمام طول این سال‌ها، دولت صهیونیستی اسرائیل هیچگاه از ترور، کشتار و سرکوب مردم فلسطین دست برنداشته و بارها و بارها علیه آنها دست به جنایت زده است. هزاران تن از کودکان و نوجوانان فلسطینی با گلوله‌های ارتش اشغالگر اسرائیل کشته و یا زخمی شده‌اند. دهها روستا و منطقه مسکونی فلسطینی نشین با تانک‌های اسرائیلی به کلی تخریب شده و ساکنین آن آواره شده‌اند. کارگران فلسطینی که عازم محل کار خویش بوده - اند، به رگبار بسته شده‌اند. رهبران و فعالان سیاسی مخالف اسرائیل نیز از هوا و زمین مورد پیگرد و شناسائی قرار گرفته، ربوده و یا ترور شده‌اند. یک نمونه آن ترور ابوعلی مصطفی است. دو سال پیش وقتی که ابوعلی پس از چندین سال تبعید و آوارگی به سرزمین فلسطین برگشته بود و به عنوان دبیرکل جبهه آزادیبخش فلسطین در رام الله مستقر گردید، نیروهای پلیسی - جاسوسی اسرائیل محل کار وی را شناسائی کردند و بعد هم هلی‌کوپترهای نظامی اسرائیل، دفتر کار وی را موشک باران کرد و با این اقدام جنایتکارانه، ابوعلی مصطفی را که جانشین جرح حبش شده بود، به قتل رساند.

ارتش اسرائیل و نیروهای پلیسی - جاسوسی آن، به هر جنایتی که خواسته‌اند دست زده‌اند و آشکارو نهان، همواره از سوی آمریکا پشتیبانی شده‌اند. دولت آمریکا همواره در برابر طرح - هائی به منظور ایجاد یک نیروی بین المللی حافظ صلح و یا نیروی ناظر بین المللی جهت نظارت بر اقدامات ارتش اسرائیل ایستاده است و عملا از ارتش اسرائیل و اقدامات جنایتکارانه آن حمایت کرده است. دولت اسرائیل نیز بارها حتی مصوبات شورای امنیت سازمان ملل را زیرپا نهاده و به هیچکس پاسخگو نبوده است. بنابراین ترور و کشتار فلسطینیان، تخریب روستاها و شهرها و اماکن مسکونی آنها به دست ارتش اسرائیل امر تازه‌ای نیست، این باراما دولت آمریکا و متحدان وی به بهانه مبارزه با تروریسم، از این کشتارها و جنایات و از رژیم تروریستی اسرائیل، علنی تر از گذشته

حمایت می‌کنند. آمریکا در ادامه اقدامات امپریالیستی و جنگ طلبانه خود آنهم به بهانه مبارزه با تروریسم، بعد از افغانستان، شاید بخواهد قبل از آنکه در کشور دیگری در منطقه خاور میانه و یا نقطه دیگری در جهان آتش افروزی کند، عجالا به یاری و همدستی نوکر قدیمی خود رژیم صهیونیستی اسرائیل، جنگ علیه مردم فلسطین را دامن بزند. دولت صهیو - نیستی اسرائیل نیز که از حمایت و پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم آمریکا برخوردار است، برای خیال است تا از شرایط بوجود آمده، به نفع خود حداکثر استفاده را بنماید و با هم - ردیف قرار دادن شرایط و موقعیت افغانستان و فلسطین، کار جنبش فلسطین را یک سره کند. آمریکا و اسرائیل به بهانه مبارزه با تروریسم، می‌خواهند عرفات و دولت خودگردان وی را به رودروئی آشکار با مردم فلسطین بکشاند. از نظر آمریکا و اسرائیل، تمام مبارزین فلسطینی و تمام گروه‌های که علیه رژیم اشغالگر اسرائیل مبارزه می‌کنند، تروریست - اند و باید نابود شوند. آنها وانمود می‌کنند که دیگر هیچ اعتمادی به عرفات و تشکیلات خودگردان وی ندارند. عرفات و دولت خودگردان وی از هر سو تحت فشار قرار گرفته است. از شروع اقدامات جنایتکارانه ارتش اسرائیل در دوازده آذر ماه به بعد، بخش زیادی از تلاش عرفات مصروف جلب اعتماد دولت‌های اسرائیل و آمریکا شده است. این تلاش از جمله در مصاحبه عرفات با یک شبکه تلویزیونی اسرائیل و نیز در دیدار مشترک با هیئت‌های امنیتی اسرائیل و سازمان سیا، نیز انعکاس یافته است. معهذرا به رغم این فشارها و تلاش‌ها و به رغم نیاتی که دولتهای آمریکا و اسرائیل در سر می‌پروانند، باید گفت که فلسطین افغانستان نیست! نه جنبش مقاومت فلسطین با اقدامات دولت ساقط شده طالبان قابل قیاس است و نه دولت خودگردان فلسطین با رژیم طالبان. طالبان یک رژیم فوق العاده ارتجاعی بود که نه در میان توده مردم افغانستان نفوذ و پایگاهی داشت و نه در سطح بین المللی و افکار عمومی جهان. بالعکس هم در سطح داخلی و هم در مقیاس بین المللی به عنوان یک رژیم منفور و ارتجاعی شناخته شده بود. طالبان یک رژیم بود که از سوی عربستان و پاکستان بر مردم افغانستان تحمیل شده بود. اما جنبش مبارزاتی مردم فلسطین، جنبشی شناخته شده است که بر توده‌های مردم فلسطین و برای احقاق حقوق دمکراتیک آنها استوار است. افکار عمومی جهان، از مبارزه حق طلبانه مردم فلسطین حمایت می‌کند. بشریت مترقی با کشتار وحشیانه مردم فلسطین به دست ارتش اسرائیل مخالف است و این اقدام جنایتکارانه را محکوم می‌کند. بدیهی است که مخالفت مردم جهان با حملات نظامی اسرائیل و کشتار مردم بی دفاع فلسطینی، به معنای دفاع از اقدامات ترور -

## اخاری از ایران

## بحران خاور میانه و تشدید منازعات درونی هیئت حاکمه

جمعیت مؤتلفه اسلامی پارا از این حدود نیز فراتر نهاد و از "تعدادی نفوذی جاسازی شده دشمن" در مجلس سخن گفت. این موضع گیری دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی در عین حال که حدت تضادهای دو جناح را منعکس می - سازد، زمینه چینی برای برخوردهای آتی با برخی گروههای دو خردادی به عنوان "نفوذی - های دشمن" است.

تعرضات این جناح ادامه یافت. حکم محکومیت برخی از نمایندگان جناح مخالف از جمله نمایندگان حکومت اسلامی از همدان و بوشهر تأیید شد و پرونده های جدیدی نیز تشکیل گردید. در همین چند هفته، تعداد دیگری از روزنامه - ها توقیف و دست اندرکاران آنها به دادگاه فراخوانده شدند. در ادامه همین تعرضات وزرای کابینه خاتمی از جمله وزرای نفت و صنایع و نیز رئیس کل بانک مرکزی و بهزاد نبوی به اتهام سوء استفاده های کلان مالی و از جمله اعتبار ۸۰۰ میلیون دلاری وزیر نفت به شرکت نفتی پترو پارس تحت مدیریت بهزاد نبوی به دادگاه فراخوانده شدند. حالا دیگر نه فقط نمایندگان طرفدار خاتمی در مجلس بلکه وزرای او نیز با تعرضات جناح مسلط روبرو هستند و این ماجرا همچنان ادامه دارد. تردیدی نیست که این تعرضات پیش از این نیز وجود داشت. در واقع پس از آن که گروه های موسوم به اصلاح طلب ناتوانی و شکست خود را در برابر همگان به نمایش گذاشتند و حتی متوهم ترین مردم پی بردند که اصلاحاتی در کار نیست، جناح خامنه ای فرصت را برای حمله به طرفداران خاتمی مناسب یافت و با بستن روزنامه های وابسته به دو خردادها تعرضات خود را آغاز نمود و در چندین ماه گذشته به این تعرضات ادامه داد. اما تشدید این تعرضات در چند هفته اخیر با بحران سیاسی منطقه خاورمیانه و هراس و نگرانی این جناح از تحول اوضاع مرتبط است.

جناح مسلط حکومت اسلامی به خوبی واقف است که در پی لشکر کشی نظامی آمریکا و انگلیس به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، اوضاع به زیان بنیاد گرایان اسلامی در حال تغییر است. پان اسلامیسیم و بنیادگرایان اسلامی در دوران جنگ سرد و هنگامی که جریانات کمونیست و چپ منطقه از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار بودند، مورد حمایت قدرتهای امپریالیست جهان قرار داشت و تقویت می شد. این جریان ارتجاعی نه فقط در ایران و افغانستان بلکه در تمام منطقه خاورمیانه و حتی آسیای مرکزی و شمال آفریقا نقش خود را در خدمت به سرمایه جهانی و سرکوب جنبش های انقلابی و مترقی ایفا نمود. اما با تغییرات سیاسی که در چند سال اخیر در سطح بین المللی صورت گرفت، دیگر نیازی به آن نه تنها به شکل گذشته نبود بلکه در مواردی به یک

### \* تجمع اعتراضی کارگران آلومینیوم سازی

بیش از ۶۰۰ تن از کارگران آلومینیوم سازی اراک، در اواخر آبان ماه به مدت چند روز در برابر کارخانه تجمع کرده و خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت حقوق های خود شدند. کارگران همچنین نسبت به اجرای قرار داد های موقت کار اعتراض کرده و خواستار امنیت شغلی شدند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران صنایع پشم

جمع زیادی از کارگران صنایع پشم کرمان، ضمن تجمع در خانه کارگر این شهرستان، نسبت به اوضاع نابسامان این کارخانه و احتمال تعطیلی آن اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود و ضمانت شغلی شدند. کارفرما تصمیم گرفته است با پرداخت یک ماه حقوق به ازاء هر سال خدمت کار - گران را اجبارا با خرید و سپس با انعقاد قراردادهای موقت آنها را استخدام کند. کارگران که هر یک از ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، زیر بار حرف کارفرما نرفته اند اما در عین حال نگران آینده شغلی خود می باشند.

### \* تجمع اعتراضی و تظاهرات کارگران بارش

کارگران بارش اصفهان، روز ششم آذر ماه، باردیگر دست به اعتراض زدند. کارگران در اعتراض به واگذاری این کارخانه از سوی بنیاد مستضعفان به بخش خصوصی و برای پرداخت حقوق های معوقه، دست به تجمع اعتراضی زدند و ابتدایا در تهران - اصفهان را مسدود ساختند و سپس به سمت کارخانه راه پیمائی کردند. رژیم که از اعتراض کار - گران به وحشت افتاده بود، نیروی انتظامی و سرکوب را به محل اعزام نمود و این نیروها با ورود به کارخانه، به ضرب و شتم کارگران

پرداختند. کارگران بارش بیش از ۶ ماه است حقوق نگرفته اند.

### \* اعتراضات کارگران نساجی در اصفهان

- کارگران بارش اصفهان در اعتراض به وضعیت نابسامان کارخانه و عدم پرداخت حقوق های خویش، باردیگر دست به اعتراض و تجمع زدند و با مسدود ساختن جاده اصفهان - تهران، خواستار پرداخت حقوق های معوقه شدند.

- کارگران کارخانه کوه فردا اصفهان نیز صبح روزیکشنبه بیست و هفتم آبان ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خویش دست به تظاهرات زدند و با آتش زدن لاستیک، جاده تهران - شاهین شهر را مسدود ساختند. کار - گران این کارخانه خواهان رفع بلاتکلیفی، پرداخت حقوق های عقب افتاده و ضمانت شغلی هستند.

- همزمان با اعتراضات کارگران در واحدهای یاد شده، کارگران کارخانه رحیم زاده نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در مقابل کارخانه دست به تجمع و تحصن زدند و خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده شدند.

### \* ادامه مبارزات کارگران کارخانه نساجی بارش

کارگران نساجی بارش در ادامه اعتراضات گذشته خود از روز سوم آذر ماه به مدت چند روز جاده تهران - اصفهان را در نزدیکی شاهین شهر بستند و خواهان تحقق مطالبات چهار ماه گذشته خود شدند.

در همین حال کارگران کارخانه نساجی نوین شهرضا که تعدادشان به ۳۵ نفر می رسد، در اعتراض به تعطیل کارخانه روز ۱۵ آذر ماه در برابر فرمانداری تجمع نمودند و خواستار راه اندازی کارخانه شدند.

صفحه ۴



## ابعاد وحشتناک مصائب اجتماعی

### اخباری از ایران

#### \* تجمع اعتراضی کارگران صنایع پشم

جمع زیادی از کارگران صنایع پشم کرمان، ضمن تجمع در خانه کارگر این شهرستان، نسبت به اوضاع نابسامان این کارخانه و احتمال تعطیلی آن اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود و ضمانت شغلی شدند. کارفرما تصمیم گرفته است با پرداخت یک ماه حقوق به ازاء هر سال خدمت، کارگران را اجبارا بازخرید و سپس با انعقاد قراردادهای موقت آنها را استخدام کند. کارگران که هر یک از ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، زیربار حرف کارفرما نرفته اند اما در عین حال نگران آینده شغلی خود می باشند.

#### \* تجمع اعتراضی کارگران جامکو

روز بیست و ششم آبان ماه، جمع زیادی از کارگران جامکو، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در برابر استانداری تهران دست به تجمع زدند و خواستار پرداخت حقوق های معوقه و رسیدگی به مشکلات خود شدند. شایان ذکر است که کارگران جامکو بیش از ۵ ماه است حقوق نگرفته اند و طی این دوره بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند.

#### \* اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز

کارگران ماشین سازی تبریز که در آذر ماه سال گذشته به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و خواهان تحقق مطالبات خود، از جمله افزایش دستمزد، مقابله با اخراج و خصوصی سازی و اخراج مدیر زورگو شده بودند، بار دیگر در اوائل آذرماه امسال دست به اعتصاب زدند و خواهان تحقق مطالبات معوقه خود و تغییر مدیریت شدند. طبق خبری که در روزنامه - های رژیم انتشار یافته است، یک هیئت مشترک از فرمانداری تبریز و اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجان شرقی مامور مذاکره با کارگران اعتصابی شده است. از نتیجه مذاکرات اطلاعی در دست نیست.

#### \* دوخبر کوتاه

- از حدود شش ماه پیش که گروه قطعات فولادی کرج زیر پوشش بانک ملی قرار گرفته است، هیچگونه حقوقی به کارگران پرداخت نشده است و ۵۰۰ کارگر این واحد بلاتکلیف و در معرض اخراج اند.

- به دنبال اعتراضات کارگران شرکت پارس پویا، جهت رسیدگی به درخواستهای کارگران و مشکلات این کارخانه، شماری از کارگران بازداشت شدند. به گزارش کار و کارگر ۲۳ آبان، کارگران را پس از بازداشت موقت در پاسگاه، به زندان منتقل کرده اند.

راه یابی به مدرسه را پیدا نمی کنند، روشن است که در صدد بیکاری، بیسوادی و محرومیت در میان افرادی که به معلولیت های جسمی و روانی دچار شده باشند، بسیار بالاتر است. در کشور - های پیشرفته سرمایه داری و در اثر حمایت های حقوقی و تامین اجتماعی، این افراد تا حدودی می توانند همپای سایر افراد در مسائل و فعالیت های جامعه مشارکت داشته باشند، اما در جمهوری اسلامی با تبعیضات متعدد و اجرایی روبرو هستند و نه فقط از بیمه معلولیت محرومند، بلکه در معرض فشارهای چند جانبه قرار دارند و بکلی در جامعه ایزوله اند. جمهوری اسلامی طی بیست و سه سال حکومت خود نه فقط از لحاظ ایجاد اشتغال، تامین بهداشت و مسکن، آموزش و پرورش، ایجاد تفریحات و سرگرمیهای سالم، تامین و تضمین آینده جوانان و غیره و غیره، کارمهی انجام نداده است، بلکه جامعه را به طور واقعی به قهقرا سوق داده است. فقر، فحشا و ابتلا به بیماری و وحشتناک است. چند روز پیش معاون وزرات بهداشت اعلام کرد شمار بیماران مبتلا به ایدز روندی صعودی پیدا کرده است. او اضافه کرد که میزان انتقال ویروس ایدز HIV از طریق اعتیاد تزریقی ۳۱ درصد و از طریق آمیزشی به ۲۴/۷ درصد رسیده است که این رقم در پنج سال قبل ۱۲ درصد بوده است. اعتیاد در میان تمام اقشار به ویژه در میان جوانان به شدت رایج شده است و مرگ و میر در اثر ابتلاء به اعتیاد، حتی در میان افراد جوان نیز افزایش یافته است. برخی معتادین برای تامین مواد مخدر، حتی فرزندان خود را نیز فروخته اند! رئیس هیئت مدیره جمعیت مبارزه با اعتیاد چهارمحال بختیاری در این مورد می گوید "این موضوع که برخی خانواده ها به علت ابتلاء به اعتیاد مجبور به فروختن فرزندان خود شده اند، نباید سربسته بماند" (رسالت ۲۱ آبان ۸۰).

آری، مردم ایران تحت شرایط فاجعه آمیز و درد آوری زندگی می کنند. شرایطی مطلقا غیر انسانی که بشریت امروز باید از آن شرم کند. مسبب اصلی تمام این بدبختی ها و مصائب اجتماعی، نظم کثیف سرمایه داری است. همان نظمی که جمهوری اسلامی طی بیش از دو دهه با چنگ و دندان از آن حراست کرده است و این مصائب و بدبختی ها را در ابعاد وحشتناک و غیر قابل باوری تشدید نموده است. برای رهایی قطعی از شر این نظام و مصائب آن، در گام نخست شر جمهوری اسلامی را باید کند!

برند، در معرض تنباهی اند و یک عمر دست به گریبان گرسنگی اند. میلیونها نفر بیکارند و هیچ منبع درآمدی ندارند. رقم دقیق بیکاران را جمهوری اسلامی پنهان می کند. اما این رقم به طور تقریبی سر به ۸ میلیون می زند. میلیون ها نفر معتادند، جمهوری اسلامی رقم واقعی معتادان را نیز نمی گوید. باکمال تاسف باید گفت شمار معتادان به مرز ۶ میلیون نفر رسیده است. میلیون ها نفر از کار افتاده و معلولند. میلیون ها نفر دیگر بیسوادند، فاقد مسکن اند و یا از عوارض اجتماعی مشابه دیگری در رنجند. اما دولت جمهوری اسلامی در قبال این عوارض اجتماعی، به رغم درآمد های سرشاری که از محل صدور نفت کسب کرده است، نه فقط هیچ گونه اقدام قابل توجهی ولو در چارچوب نظامهای سرمایه داری انجام نداده است، بلکه به نحو خیره کننده ای، تشدید کننده این عوارض بوده است. برای نمونه می توان به عملکرد دولت جمهوری اسلامی در قبال معلولین اشاره کرد. چندی قبل معاون امور توانبخشی وزرات بهداشت، در گفتگویی با خبرنگاران به مناسبت روز جهانی معلولین (۱۲ آذر) در مورد شمار معلولین و عملکرد وزرات بهداشت در قبال آنها گفت "در ایران دو میلیون و ششصد هزار معلول وجود دارد که باتوجه به بودجه ۵۰۰ میلیارد ریالی که به این مسئله اختصاص یافته است، تنها توانستیم به چهارصد هزار نفر، خدماتی به صورت ناقص ارائه دهیم!"

باید اشاره کرد که همه این معلولین، معلولین جنگی نیستند. بلکه شمار زیادی از آنها در اثر محروم بودن از شرایط مناسب زندگی و محرومیت از تغذیه و بهداشت مناسب و یا در اثر فشارهای اجتماعی دچار اختلالات، ناتوانی های جسمی، نابینایی، ناشنوایی و یا ناهنجاریهای روانی شده اند. شمار زیادی از این معلولین را کودکان تشکیل می دهند. معاون برنامه ریزی آموزشی سازمان آموزش و پرورش استثنائی جمهوری اسلامی می گوید "۷۲ هزار دانش آموز معلول تحت پوشش آموزش استثنائی قرار دارند" و اضافه می کند که "این میزان به هیچوجه کافی نیست!"

در جامعه ای که میلیونها فرد خردسال و بزرگ سال غیر معلول، از حق کار و تحصیل محرومند، در جانی که میلیون ها تن از جوانان بیکار هستند و میلیونها کودک نه به دلیل معلولیت، بلکه به دلایل اقتصادی و اجتماعی دیگری امکان



### جمهوری اسلامی را باید با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون کرد

مردم مبارز ایران!

ادامه حیات جمهوری اسلامی نتیجه ای جز تشدید فقر، بدبختی، اختناق و بی حقوقی نداشته و ندارد.

برای رهایی از شر تمام مصائب و فجاجی که این رژیم به بار آورده است، راه دیگری جز سرنگونی آن وجود ندارد.

تجربه انقلاب علیه رژیم شاه نشان داد که سرنگونی حکومت از طریق برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه امکان پذیر است.

برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی، کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب را در هر کارخانه و مؤسسه ایجاد کنید.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## بحران خاور میانه و

### تشدید منازعات درونی هیئت حاکمه

مانع تبدیل گردید. این مانع می بایستی از جانی برداشته شود و بنا به مجموعه ای از حوادث از افغانستان آغاز گردید. حالا همان "جنگجویان" و "مبارزین" مورد حمایت آمریکا و دیگر قدرت های جهانی به عنوان تروریست سرکوب می شوند. البته تا جایی مانع اند که نتوانند خود را با مقتضیات بین المللی و نیازهای سرمایه جهانی هماهنگ کنند. والا همانگونه که می دانیم هم اکنون نیز گروهی از اسلام-گرایان افغان مورد حمایت آمریکا و دیگر قدرت های جهانی هستند. درایران هم خاتمی از حمایت قدرت های جهانی برخوردار است و شیخ نشین های عرب نیز بر همین منوال.

بنابراین جناح مسلط هیئت حاکمه در ایران از این تحول اوضاع در منطقه نگران است و بیم دارد که در جریان این تحولات موقعیت جمهوری اسلامی به خطر افتد و یا جناح رقیب تمام اهرم های قدرت را قبضه کند. اما حذف مانع بنیاد گرائی تنها جزئی از استراتژی قدرت های بزرگ جهانی در منطقه است. در چارچوب این استراتژی هرگونه مانعی برسر راه حرکت کاملاً آزادانه سرمایه در منطقه از جمله موانع و محدودیتهای دولتی که از دوران جنگ سرد و وجود بلوک شرق وجود داشته باید از میان برداشته شوند و هرگونه سرکشی سرکوب گردد. هدف پلواو سه در اینجا رژیم صدام در عراق است. آمریکا پس از سرنگونی طالبان و ایجاد پایگاه های نظامی جدید نه فقط در افغانستان بلکه در برخی کشورهای آسیای مرکزی، اکنون در تلاش است با دادن امتیازاتی به دیگر قدرتهای جهانی از جمله رقبای خود، زمینه را برای حمله نظامی به عراق آماده سازد. اگر این طرح به مرحله اجرا درآید، تاثیرات دیگری بر موقعیت جمهوری اسلامی به ویژه جناح مسلط آن دارد. چون پس از عراق مسائل فی مابین آمریکا و جمهوری اسلامی باید حل گردد. دولت آمریکا اکنون برخورد دوگانه ای با جمهوری اسلامی دارد. از یکسو می کوشد با دادن امتیازاتی به آن و گشودن باب مذاکره و گفتگو، سیاست های خود را در منطقه پیش برد، اما در همان حال جمهوری اسلامی را در لیست حامیان تروریست قرار داده است. در اینجا جمهوری اسلامی چاره ای جز این نخواهد داشت که یادر جریبان مذاکرات مستقیم و غیر مستقیمی که هم اکنون با آمریکا دارد، سیاست های منطقه ای آنرا بپذیرد و یادر انتظار فشارها و حتی تهدیدات نظامی قرار گیرد. جناح مسلط هیئت حاکمه از این بابت نیز نگران است. لذا در تلاش است که در منازعات درون حکومتی تمام ابتکار عمل را به دست بگیرد و گروه های دو خردادی را کاملاً تابع خود سازد تا بامانور بیشتری بتواند موقعیت خود را حفظ کند و تحت شرایطی حتی بدون هرگونه مانع و مشکل

## کنفرانس بن هم معضلی

### از معضلات مردم افغانستان را حل نکرد

مناطق مرکزی افغانستان در دست گروه دیگری به نام حزب وحدت اسلامی ست. هرات در اختیار گروهی دیگر از تاجیک هاست. در شرق عجلانها دو گروه مسلح حاکمیت می کنند. این دسته های مسلح که هر یک وابسته به یکی از دولت های کشورهای همجوار افغانستان هستند و مستقیم و غیر مستقیم از سوی برخی از قدرتهای بزرگ جهان نیز حمایت می شوند، منافع خاص خود را دنبال می کنند. این منافع مجزا اکنون در درون جبهه متحد شمال هم که نیروهای آن علیه طالبان با یکدیگر متحد شده بودند، شکاف انداخته است. برخی از این گروهها از هم اکنون اعلام کرده اند که با دولت موقت همکاری نخواهند کرد. در چنین اوضاعی بعید به نظر می رسد که دولت موقت بتواند طرح صلح کنفرانس بن را به مرحله اجرا در آورد، تا چه رسد به این که بخواهد معضلی از معضلات بی شمار مردم افغانستان را حل کند. در مورد به رسمیت شناختن حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی مردم افغانستان نیز اساساً بحثی از آن در میان نیست. نه تنها نحوه تشکیل کنفرانس بن این واقعیت را نشان داد بلکه مصوبات آن نیز حقی در این زمینه برای مردم قائل نیست. اگر اجلاسی هم باید در آینده تشکیل شود، اجلاس ریش سفیدان، سران قبایل، سران دستگاه روحانیت، حامیان سلطنت و فرماندهان نظامی دستجات مختلف مسلح است. مردم در این میان نقشی نخواهند داشت.

نیروی پاسدار صلح هم در افغانستان نه می تواند معضل مردم افغانستان را حل کند و نه حتی سیاست قدرتهای بزرگ جهانی را پیش برد. در نهایت حیطة عملش به شهر کابل محدود خواهد ماند. بدیهی ست که تحت چنین شرایطی وعده بازسازی افغانستان هم بر روی کاغذ باقی خواهد ماند. وعده داده اند که این بازسازی با سرمایه گذاریهای کلان در افغانستان انجام خواهد گرفت. اما روشن است که بدون امنیت مطلوب سرمایه، هیچ سرمایه ای به افغانستان صادر نخواهد شد. لذا از هم گسیختگی اقتصادی و فقر و فلاکت مردم زحمت کش بهروال گذشته برجای خواهد ماند. پس روشن است که برغم هیاهویی که بر سر کنفرانس بن راه انداختند، معضلات افغانستان همچنان باقی ست و این کنفرانس گرهی ولو کوچک از معضلات بی شمار مردم زحمتکش و ستمدیده افغانستان را ننگشود.

در ۱۸ ماه بعد تعیین کند. یک نیروی بین المللی صلح هم وظیفه پاسداری از صلح را بر عهده خواهد گرفت. ظاهراً بر روی کاغذ همه چیز به خوبی پیش رفته و گروههای شرکت کننده در این کنفرانس و دولت های دینفع در مسئله افغانستان از این توافق ابراز خوشحالی می کنند و وعده می دهند که دیگر مسائل افغانستان حل خواهد شد. اما واقعیتها سواي آن چیزی ست که بر روی کاغذ است و وعده داده می شود. آنچه که از همان آغاز و با تشکیل کنفرانس بن با آن روبرو هستیم این است که توده های مردم افغانستان در این میان هیچ نقشی ندارند. گروههایی که در کنفرانس بن شرکت داشتند نه منتخب مردم افغانستان بودند و نه سخن گوی منافع آنها. در واقع، آمریکا، روسیه، اروپا، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران بودند که با توافق یکدیگر چهار گروه را به کنفرانس بن فراخواندند. نه تنها در این اجلاس هیچ گروه، سازمان و تشکل چپ، رادیکال، مترقی و دمکراتی وجود نداشت، بلکه برخی از گروههای مسلح نیز به این کنفرانس دعوت نشدند و در تقسیم قدرت و اختیارات سهمی به آنها داده نشد. با این همه باید دید آنهایی که قرارداد صلح بن را امضاء کرده اند، با واقعیت های موجود افغانستان چه می توانند بکنند و تا کجا به همین مفاد قرارداد پای بندند. قرار است دولت موقت تشکیل شود که زمام امور را در افغانستان در دست بگیرد. این دولت موقت در واقع کابینه ای بدون دولت است. امروز در افغانستان یک دستگاه دولتی که دولت موقت از طریق آن بتواند سیاستی را پیش برد وجود ندارد. در افغانستان امروز دولتهای مختلفی وجود دارند. در هر بخش از افغانستان یک نیروی نظامی حاکم است که تابع هیچ قدرت مرکزی نیست و قدرتی را فراتر از خود نمی پذیرد. در برخی مناطق حتی یک قدرت واحد هم وجود ندارد. گاه حتی یک منطقه میان دو و یا سه گروه مسلح تقسیم شده است و برای حیطة نفوذ خود بایک دیگری جنگند. در پی سقوط طالبان هر گروهی یک منطقه را به اختیار خود در آورده است. قدرت تاجیکها که سازمان یافته ترین نیروی مسلح موجودند و سهم بیشتری نیز در دولت موقت به دست آورده اند، به برخی مناطق شمالی و غربی افغانستان و کابل محدود است. دو گروه از ازبکها مناطقی را در بخش دیگری از افغانستان از جمله در مزار شریف در اختیار خود گرفته اند.

با آمریکا به توافق برسند. لذا تحت چنین شرایطی ست که اختلافات و کشمکش های دو جناح رژیم تشدید شده و جناح مسلط بردامنه تعرضات خود به جناح رقیب افزوده است. با این همه روند تحول اوضاع در ایران نه در

اختیار جمهوری اسلامی و یا جناح های آن است و نه دولت آمریکا و دیگر قدرت های امپریالیست جهان. این توده مردم ایران، مبارزات آنها و بحران سیاسی موجود در ایران است که به تحولات آینده شکل خواهند داد.

## مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۱۷)

در شماره قبل، تشکل "کارگران صنعتی جهان" (IWW) مورد بررسی قرار گرفت. معرفی زنان برجسته و فعال در IWW، قسمت بعدی کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان اثر تونی کلیف است.

### "الیزابت گرلی فلین" (Elizabeth Gurly Flynn)

برخی از سازماندهندگان سطح بالای اتحادیه کارگران صنعتی جهان، زنان بودند. "الیزابت گرلی فلین" یکی از برجسته ترین این زنان بود. "جوهیل" (Joe Hill)، هنگامی که در سال ۱۹۱۵ به علت فعالیت‌های اتحادیه‌ای‌اش با اتهامات جعلی و ساختگی به اعدام محکوم گردید، در زندان اوتاه، ترانه سرود "دختران شورشی" را نوشت و آن را به "الیزابت گرلی فلین" تقدیم نمود. "الیزابت گرلی" در سال ۱۹۰۶، ۱۶ ساله بود که به IWW پیوست و یک سال بعد از آن اولین اعتصاب در کارخانه لاستیک سازی "بریج پورت" در Connecticut را تجربه کرد. از آن پس، او در همه جاذب داشت: در میان معدنچیان اعتصابی (Masabi)، در میان کارگران نساجی (Lan Rouge)، اید که ۱۷ ماه در برابر چماق، استنشاق گاز، سرما و زندانی شدن صدها کارگر ایستادگی کردند، حضور داشت. وی با ۲۳ هزار کارگر نساجی لورنس طی ۲ ماه اعتصاب سخت‌شان همراهی می‌کرد. او در میان ابریشم بافان لورنس و رویان سازان بود که ۵ ماه تمام، در مقابل شفاوت پلیس، دستگیری و گرسنگی پایداری کردند. این لیست بی انتهاست. "الیزابت گرلی فلین" از یک مشی طبقاتی انقلابی پیگیر پیروی می‌کرد. او هیچ‌گاه امتیازی به فمینیسم بورژوازی نداد. او در مقاله‌ای تحت عنوان "فراخوان IWW به زنان" چنین نوشت:

"به اعتقاد ما، جامعه در شیاری طبقات در حرکت است و نه جنسیت. اختلافات جنسی در قیاس با اختلافات اقتصادی کمتر بر ما تاثیر می‌گذارند. اتحادیه کارگران صنعتی جهان، زنان مزد بگیر و همسران کارگران را مورد خطاب قرار می‌دهد. ما مبنائی برای منافع متقابل فمینیستی نمی‌بینیم. هیچ دلیلی مبنی بر وجود "تضاد جنسی" ذاتی یا احتمال هم-بستگی میان زنان به تنهایی وجود ندارد. ملکه‌ای که در کاخ خود نشسته است هیچ منافع مشترکی با خدمتکاران آشپزخانه ندارد. همسر صاحب یک فروشگاه بزرگ، هیچ‌گونه دغدغه - ای برای آن دختر ۱۷ ساله‌ای که به خاطر ۵ دلار در هفته به فحشاء متوسل می‌شود، ندارد. خواهری زنان، همچون برادری مردان، از دید کارگران یک عوامفریبی محض است. در پشت این عوامفریبی‌های جلف و احساسات بیمار گونه، چهره زمخت جنگ داخلی قرار گرفته

چگونه زندگی کنند، یعنی چگونه تغذیه شوند و لباس بپوشند و چگونه زندگی اقتصادی خود -شان را بگذرانند. . . . بردگی جنسی . . . پی آمد بردگی اقتصادی ست. و این تنها بیان ظریف فحشاء است. حال خواه برای یک شب باشد، خواه تمام عمر." (همانجا - ص ۲۴۱)

زندگی و مبارزه "مادرجونز" از بانیان IWW و حزب سوسیالیست، موضوع بعدی کتاب است.

## فلسطین، افغانستان نیست!

یستی بنیادگرایان اسلامی و گروه حماس نیست. همانطور که مخالفت مردم جهان با حمله نظامی آمریکا به افغانستان به معنای دفاع از طالبان و گروه ارتجاعی القاعده نبود.

بازگشت آوارگان و مهاجرین فلسطینی و برپائی دولت مستقل فلسطینی حق مسلم مردم فلسطین است. مادام که نیروهای اشغالگر اسرائیلی مناطق اشغالی را تخلیه نکرده اند، مادام که حق آوارگان و مهاجرین فلسطینی برای بازگشت به فلسطین به رسمیت شناخته نشده و تضمین نشده باشد و بالاخره مادام که برپائی یک دولت آزاد و مستقل فلسطین که بازتاب دهنده اراده و آراء آحاد مردم فلسطین باشد به رسمیت شناخته نشده و تضمین نشده باشد، مردم فلسطین برای احقاق حقوق خویش و علیه تجاوزات صهیونیستی - امپریالیستی مبارزه می‌کنند و مستقل از این که فلان کشور همسایه در مورد آنها چه فکر می‌کند و یا دولت خود گردان و یاسر عرفات در مذاکراتش با دولتهای اسرائیل و آمریکا به چه توافقاتی برسد یا نرسد، برای تحقق این آرمان‌ها به مبارزه خود ادامه خواهند داد. امپریالیسم بدانند که این مبارزه را، ولو با عنوان مبارزه با تروریسم نمی‌توان خاموش ساخت!

است. (به نقل از Tax - صفحات ۱۸۲-۱۸۰). "الیزابت گرلی فلین" جنبش حق رای زنان را در سلطه زنان پولدار هوسبار می‌دانست و از این که زنان طبقه کارگر "دنبالچه جنبش حق رای" شدند که در دست زنان طبقه‌ای بود که دختران را در فقر و شرمساری به کار می‌گماشتند، شاک می‌بود. (فونر - زنان - صفحه ۴۰۵)

"الیزابت گرلی فلین" استدلال می‌کرد که کلید بیداری زنان کارگر، مبارزه در محل کار است. زنان و مردان باید مبارزه رادوش به دوش هم سازمان دهی کنند. او نوشت: "IWW" زنان رافرا می‌خواند دوش به دوش مردان، خود را سازماندهی کنند. در اتحادیه هامتشل شوند که بدین طریق بتوانند به نحو فزاینده‌ای قواعد کار و دستمزدها را تعیین کنند تا زمانی که همبستگی و قدرت شان به جایی رسد که بر جهان فرمانروائی کنند. همچنین به دختران جوان گوشزد می‌کند که ازدواج راه گریز از مسئله کار نیست. به مادران یادآور می‌شود که منفعت آنها و فرزندانش با منافع طبقه درهم تنیده است. IWW چگونه می‌تواند بر محافظه کاری و خود خواهی فائق آید؟ از طریق سوق دادن زنان به مشارکت فعال در امور اتحادیه، خصوصاً اعتصابات، کهدرجریان آن، جلسات وسیع توده ای، پیکت لاین‌های وسیع، جلسات زنان و تجمعات کودکان، محرک‌های احساسی و عاطفی نیرومندی هستند.

اتحادیه‌های سابق، هیچ‌گاه زنان را به مثابه بخشی از اعتصاب به حساب نمی‌آوردند. از آنها انتظار می‌رفت که در خانه نگران سفره خالی، اطفال گرسنه و صاحبخانه‌ای که غرغر کنان به دنبال آنان بود، باشند. اعتصاب کاری "مردانه" بود. جرات مبارزه به‌مرد تعلق داشت اما زنان حتی هوش و ذکاوت توضیح آن را هم نداشتند. . . . زنان به نسبت درکشان از اهداف اعتصاب، می‌توانند رزمنده ترین یا محافظه کارترین فاکتور در یک اعتصاب باشند. IWW متهم شده است که زنان را به جلو سوق می‌دهد. واقعیت این است که IWW سعی نمی‌کند، زنان را عقب نگه‌دارد و آنها خوششان پیش می‌رود. " (به نقل از Tax - Tax ص ۶-۲۵۵)

"الیزابت گرلی فلین" استدلال می‌کند که رهایی زنان بدون انقلاب سوسیالیستی متحقق نمی‌شود. "برای رهایی زنان به چیزی به مراتب بیشتر از یک حق رای تجربیدی نیاز است. هیچ چیزی کمتر از انقلاب اجتماعی نمی‌تواند اسارت وی اثری کنونی زنان را درهم بشکند. انقلاب اجتماعی پیش شرط درهم شکستن قیود ناشی ازستم جنسی ست. فلین می‌گوید: "تنها مشکل جنسیتی که من می‌شناسم، این است که زنان چگونه کنترل (بدن) خود را داشته باشند و چگونه آزاد باشند، به‌نحوی که تنها عشق، محرک رفتارشان باشد. من تنها یک راه می‌شناسم، آنها حل این مسئله است که

### کمک‌های مالی رسیده

#### هامبورگ

کامی	۵۰	مارک
پروویز - ف	۲۰	مارک
رشید حسنی	۲۰	مارک
مازیار	۱۲۰	مارک

#### هلند

کاوه	۵۰	فلورن
------	----	-------

#### دانمارک

.....	۱۵۰	کرون دانمارک
هوشنگ احمدیان	۵۰	کرون دانمارک

## کشف یک ((گروه نامرئی))

حیثیت و درآمد تولیدی کارفرما را زیر سؤال برده است . . . این گروهها با دستهای پنهان خود، هم کارگر و کارفرما را چپاول کرده و هم یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون انسان شاغل فقیر و بی گناه را در بند فقر محبوس کرده است. "بیچاره "کارفرمایان" و "تجار واقعی" که این همه مورد ظلم و ستم و "چپاول" قرار گرفته اند و "حیثیت و درآمد تولیدی شان" زیر سوال رفته است.

کارگزار سرمایه در دستگاه حکومت اسلامی به کشف نوینی نائل آمده است . در دنیای امروز "کارفرمایان" به خوان سرمایه داران صنعتی و "تجار واقعی" خود در زمره گروههایی هستند که مورد استثمار، چپاول و غارت قرار گرفته اند و مسبب تمام فقر و بدبختی و استثمار و حتی چپاول و غارت سرمایه داران یک گروه نامرئی ست که نه کارگرند و نه سرمایه دار، نه کارفرما هستند و نه "تجار واقعی". این گروه نامرئی که متعلق به هیچ طبقه ای هم نیست ۸۰ درصد ثروت جهان را در دستهای خود متمرکز کرده است. اگر ایشان "کارفرمایان" و "تجار واقعی" را مستثنی نمی کردند، می شد فرض کرد که شاید منظور ایشان سلطه سرمایه مالی و سلاطین مالی و حاکمیت بورس بر جهان است که نشانه های گنبدیگی و زوال نظام سرمایه داری جهانی هستند . در آن صورت می بایستی گفت که اینان کسی جز سرمایه داران نیستند که از مدتها پیش فاقد هرگونه نقشی در تولید اند و هرگونه وظیفه اجتماعی را از دست داده اند و اکنون با در اختیار داشتن سرمایه های مالی هنگفت و سهام کلان بزرگترین موسسات اقتصادی به زندگی انگلوار خود ادامه می دهند . این طبقه سال هاست که به لحاظ تاریخی زائد شده است و یک نیروی ارتجاعی - ست. "کارفرمایان" و "تجار واقعی" مورد اشاره در همین مقوله جای دارند. اما بحث وابسته وزارت کارجحومت اسلامی در سازمان بین المللی کار این نیست. او مدافع سرمایه داری و سرمایه داران است و با اراجیفی که سرهم بندی کرده است، تنها می خواست این را بگوید که راه سعادت بشریت و نجات صدها میلیون انسان فقیر و گرسنه زحمتکش، سازش کارگر و سرمایه دار و تامین امنیت سرمایه است. لذا در پایان نوشته خود نتیجه می گیرد: "امنیت شغلی برای کارگر و امنیت سرمایه گذاری برای کارفرما دو روی سکه سعادت بشری و یک مجموعه تفکیک ناپذیر است. تامین این امنیت اساسی ترین وظیفه دولتها در سطح ملی و بین المللی ست" در اینجا هم صحبت از امنیت شغلی برای کارگر یک تعارف خشک و خالی از سوزی ایشان است و حتما خودی نیز می داند که چیزی به نام

## خلاصه ای از اطلاعیها و بیانیهای سازمان

در آذر ماه، سازمان پیامی خطاب به دانشجویان و استادان مترقی و آزادیخواه انتشار داد. در این پیام آمده است:

ما در دورانی زندگی می کنیم که علم و تکنولوژی بیش از هر زمان دیگر در حیات اجتماعی انسانها نقش و اهمیت پیدا کرده است. تحولات و پیشرفت های علمی و تکنولوژیک چند دهه اخیر که به یک انقلاب نوین در علم و تکنولوژی انجامیده است، عرصه های مختلف زندگی اجتماعی بشریت را تحت تاثیر قرار داده است. در این مرحله از دگرگونی های علمی و تکنولوژیک کاربرد علم در تولید، ابعاد همه جانبه ای به خود گرفته و همین واقعیت چشم اندازهای نوینی را برای دگرگونی های ژرف در مقیاس جهانی و دگرگونی مناسبات میان انسانها گشوده است.

با این همه، این واقعیت به جای خود باقی ست که این ثمرات تجربه، نبوغ و خلاقیت انسانها، در خدمت رفاه، خوشبختی، تعالی و پیشرفت بشریت زحمتکش قرار نگرفته، بلکه در انحصار گروهها و طبقات دارا قرار گرفته است. هنوز مسائل عظیم اجتماعی عصر ما لاینحل مانده اند. در چنین اوضاعی ست که شکاف میان کشورهای فقیر و غنی، عقب مانده و پیشرفته نیز بیش از هر زمان دیگر عمیق تر شده و آن دسته از کشورها و ملت هایی که از قافله این تحولات علمی و تکنولوژیک عقب مانده اند، با شرایط وخیم و اسفنازتری روبرو گشته اند. چرا که امروز حتی تحولات و پیشرفتهای اقتصادی در هر شکل آن، بدون کاربرد پیشرفته ترین علوم در تولید و به کارگیری تکنولوژی های مدرن پیشرفته مقدر نیست. این خود، نیازمند یک نظام علمی و آموزشی و تحقیقاتی پیشرفته است. اما ایجاد یک چنین نظام آموزشی و علمی پیشرفته در کشورهایی که اندیشه و آزادی را به بند کشیده، مردم را از حق حیات محروم کرده اند و گروهی انگل صفت ثمرات کار و تلاش مردم زحمتکش را به یغما می برند، میسر نیست.

نمونه یک چنین کشوری، ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ست.

پیام سپس با اشاره به انقلاب توده های مردم ایران، شکست این انقلاب و سلطه ارتجاع می افزاید:

از آنجائی که دانشگاههای ایران به گواه تمام تاریخ موجودیت خود همواره سنگر مبارزه آزادیخواهانه و مترقی علیه استبداد و اختناق بوده اند، جمهوری اسلامی به محض استقرار در ایران، درهم شکستن این سنگر آزادی را در دستور کار قرارداد و با اجرای برنامه پاکسازی دانشگاهها که در جریان آن دهها دانشجو جان باختند و هزاران دانشجو و استاد مترقی اخراج و به بند کشیده شدند، کوشید این سنگر آزادی را به سنگر ارتجاع اسلامی تبدیل کند.

به رغم تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم و با وجود تلاشهایی که برای تبدیل این مرکز علم و دانش به مرکز اشاعه خرافات مذهبی و قرون وسطایی صورت گرفت، اما روند تحولات، شکست تمام سیاستهای رژیم را نشان داد. هنگامی که توده های مردم ایران بار دیگر به نبردی رویاروی با رژیم برخاستند، اکثریت عظیم دانشجویان نیز علیه سرکوب و اختناق پیاختستند و با مبارزه قهرمانانه خود در تیر ماه ۱۳۷۸ نشان دادند که دانشگاهها همچنان به سنت های مبارزاتی آزادیخواهانه و مترقی پای بندند.

در ادامه این پیام، بحران سیاسی موجود و مبارزات توده های مردم مورد بحث قرار گرفته و نتیجه گیری شده است که راهی جز سرنوینی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی در برابر ما قرار نگرفته است. در ادامه پیام ضرورت استقرار حکومت شورائی برای تحقق مطالبات مردم ایران مورد بحث قرار گرفته و در پایان آمده است:

سازمان فدائیان (اقلیت) در برنامه عمل خود برای سرنوینی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی، خواهان اقدامات فوری به منظور دگرگونی بنیادی نظام آموزشی موجود است.

سیستم آموزشی عقب مانده و ارتجاعی موجود باید به کلی دگرگون شود. مدارس و مراکز آموزش عالی باید مطلقا غیر مذهبی باشند. آموزش نظری و علمی تالیف گردند. پیوند نزدیکی میان مدارس و کار اجتماعی مولد برقرار گردد. آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه برقرار گردد و دانش آموزان از امکانات رفاهی دولتی برخوردار گردند. موانعی که سیستم آموزشی موجود از جمله کنکور بر سر راه ادامه تحصیلات اکثریت عظیم جوانان ایجاد نموده باید از بین برود و هرکس به حسب تمایل و استعدادش قادر به ادامه تحصیل عالی رایگان باشد. استادان دانشگاهها نیز باید از امکانات مناسب مادی و معیشتی برخوردار باشند تا بتوانند وظیفه علمی خود را در خدمت به مردم و پیشرفت جامعه ایفا کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از دانشجویان و استادان مترقی و آزادی خواه دانشگاهها می خواهد که برای نجات از شر مصائبی که جمهوری اسلامی به بار آورده است و استقرار یک نظام مترقی و حقیقتا انسانی، مبارزه خود را برای سرنوینی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی تشدید کنند.

و بین المللی" تعیین کند. آنها وظیفه خود را در دفاع از طبقه سرمایه دار خوب می دانند و کارگران نیز وظیفه مبارزه علیه سرمایه داری و طبقه سرمایه دار را در پیش روی دارند. راه سعادت بشریت نیز در همین مبارزه برای برانداختن نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی ست.

امنیت شغلی برای کارگر در نظام سرمایه داری وجود نداشته و نخواهد داشت. بحث ایشان اساسا تامین امنیت سرمایه است و این وظیفه را "دولتها در سطح ملی و بین-المللی" به خوبی انجام می دهند. لازم نبود که ایشان در پی کشف یک گروه نامرئی برآید و دست آخر وظیفه برای "دولتها در سطح ملی

## کشف یک ((گروه نامرئی))

لابد هر کس کنجکاو خواهد بود که بدانند نماینده حکومتی که در کشور تحت حاکمیت آن تضاد میان فقر و ثروت سر به فلک کشیده است، خواهان چگونه بازنگری جامعی در توزیع ثروت است. آن هم نه فقط در ایران بلکه در سطح جهان برای نابود کردن معضل اجتماعی فقر.

مقدمتاً اشاره کنم که هر کس با الفبای علم اقتصاد آشنائی داشته باشد این را می‌داند که توزیع به طور کلی رابطه لاینفکی با تولید دارد. توزیع ثروت هم‌اکنون قاعده مستثنی نیست. در هر جامعه‌ای نحوه تولید است که چگونگی توزیع ثروت را مشخص می‌سازد. از همین روست که در طول تاریخ موجودیت بشریت به حسب شیوه‌های تولید متفاوت، نحوه توزیع نیز تفاوت داشته است. جامعه سرمایه‌داری هم جامعه‌ای است که در آن اصلی‌ترین وسائل تولید به طبقه سرمایه‌دار تعلق دارد. سرمایه‌دار که مالک وسائل تولید و سرمایه‌گذار و درازای این کار دستمزدی به وی می‌پردازد که تامین کننده حداقل معیشت اوست. اما این دستمزد تنها بخش کوچکی از ارزش‌های تازه تولید شده است. بخش بزرگتر آن به عنوان سود سرمایه صنعتی، سود سرمایه تجاری، بهره سرمایه استقرایی و بهره مالکانه به طبقه سرمایه‌دار و مالک تعلق می‌گیرد و به صورت سرمایه و ثروت در دست سرمایه‌دار انباشت می‌گردد. سرمایه‌دار همواره تلاش می‌کند که با تشدید استثمار کارگران سهم بیشتری از ارزش‌های تازه تولید شده را به خود اختصاص دهد و سهم کمتری عاید کارگران شود. نتیجتاً در جریان تکامل سرمایه‌داری مداوماً شکاف میان فقر و ثروت عمیق شده است. هر چه سرمایه و ثروت در یک قطب متمرکز و انباشت شده است، فقر و بدبختی بیشتری در قطب دیگر انباشته شده است. این رابطه به نحو دیگری میان کشورهای فقیر و غنی وجود دارد. در دوران سلطه انحصار و سرمایه‌مالی، انحصارات گول پیکری که سرمایه‌های هنگفتی را در دست خود متمرکز ساخته‌اند، با صدور سرمایه به کشورهای عقب‌مانده و به کارگرفتن نیروی کار ارزان و منابع رایگان، سودهای انحصاری هنگفتی عاید خود می‌سازند. این صدور سرمایه هم به شکل استقرایی و هم مولد آن، تنها نتیجه اش تشدید استثمار کارگران و چپاول و غارت منابع ملی کشورهای عقب‌مانده تر

بوده است. کشورهای عقب‌مانده‌تر همه ساله ناگزیر بوده‌اند بخش کلانی از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشانشان را به عنوان بهره‌سرمایه استقرایی به سوی کشورهای ثروتمند سرازیر کنند، حتی در آنهایی که سرمایه به شکل مولد آن صادر شده است، سودهای کلان ناشی از آن مجدداً به کشورهای صادرکننده سرمایه بازگشت داده شده است. لذا کشورهای عقب‌مانده تر نظام سرمایه‌داری جهانی همواره با وضعیتی وخیم روبرو بوده و پیوسته شکاف میان آنها و کشورهای پیشرفته‌تر ثروتمند تر نظام سرمایه‌داری جهانی عمیق‌تر شده است. این شکاف میان فقر و ثروت در هر کشور مجزای سرمایه‌داری و میان کشورهای فقیر و غنی منبعت از نحوه توزیع ثروت در شیوه تولید سرمایه‌داری است. مطلقاً نمی‌توان این شیوه توزیع ثروت را دگرگون کرد و برانداخت مگر با دگرگونی شیوه تولید سرمایه‌داری. و دگرگونی این شیوه تولید یعنی سرنگونی طبقه سرمایه‌دار، دگرگونی مناسبات تولید، ایجاد مناسبات تولید نوین سوسیالیستی و توزیع منطبق بر آن. حال ببینیم که وابسته وزارت کار حکومت اسلامی در سازمان بین‌المللی کار چگونه "بازنگری جامع در توزیع ثروت" را توضیح می‌دهد. ایشان نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌داران را مسبب فقر و بدبختی توده‌های کارگر و متجاوز از ۱/۲ میلیارد انسانی که زیرخفت فقر زندگی می‌کنند نمی‌داند، بلکه آن را منتسب به "یک گروه نامرئی" می‌داند که در عین حال مانع "بازنگری جامع در توزیع ثروت" است. ایشان که به شکل ناشیانه‌ای به دفاع از اربابان سرمایه‌دار خود برخاسته است، می‌گوید: "در دنیائی که بیش از ۸۰ درصد ثروت جهان متعلق به کمتر از ۲۰ درصد افراد است، نه کارگران طعم زندگی و درآمد شرافتمندانه را خواهند چشید و نه کارفرمایان از یک درآمد تولیدی منتفع خواهند شد" و ادامه می‌دهد: "یک گروه نامرئی وجود دارد که نه به خانواده کارگران تعلق داشته و نه از خانواده کارفرمایان می‌باشند و نه در زمره تجار واقعی محسوب می‌شوند. . . . این گروه نامرئی بدون هیچگونه سرمایه‌گذاری و ریسک‌پذیری و با کمین کردن در حاشیه بازار و تجارت بدون هیچگونه مالیات به دولت‌ها و صرفاً با استفاده از فرصت‌ها و رانت‌های اقتصادی از یک طرف زندگی شرافت‌مندانه کارگر را به مخاطره انداخته و از طرف دیگر

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

**آلمان**  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

**دانمارک**  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M . A . M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecurbe  
75015 Paris  
France

**هلند**  
P . B . 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

**I.W.A**  
6932641 Postbank  
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)

No.370 dec 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی